

گردشگری فرهنگی راهبردی جهت تقویت هویت ملی جمهوری اسلامی ایران

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۵/۳۰

کد مقاله: ۳۵۴۸۹

محسن جان پرور^۱، ریحانه صالح آبادی^۲، معصومه مهدی^۳

چکیده

هویت مجموعه‌ای از خصوصیات و مشخصات اساسی اجتماعی، فرهنگی، روانی، زیستی و تاریخی همسان و به معنای همانندی اعضا با یکدیگر است. می‌توان بیان نمود، هویت قومی و ملی نمونه‌هایی از هویت جمعی هستند. افراد می‌توانند با عضویت در گروه‌های مختلف، هر یک از سطوح هویت را داشته باشند. در این بین رابطه بین گردشگری و هویت ملی مورد توجه اندیشمندان بسیاری بوده است؛ زیرا توسعه گردشگری فرهنگی خود به تقویت هویت ملی در جوامع چند قومیتی منجر می‌گردد. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از روش طیف لیکرت به بررسی نقش گردشگری فرهنگی به عنوان راهبردی برای تقویت هویت ملی می‌پردازد. یافته‌های تحقیق بیان می‌کند که عواملی مانند آداب و رسوم، پیشینه تاریخی، عامل سرزمین، مذهب، هنر، ادبیات و ... می‌تواند نقش بسزایی در گردشگری فرهنگی و تقویت هویت ملی ایفا نماید. در این بین می‌توان براساس یافته‌های میدانی بیان نمود که مهم‌ترین عواملی که سبب تقویت هویت ملی در ایران می‌گردد بدین صورت است: آثار باستانی با وزن ۲۰۰، پیشینه تاریخی ۱۹۳، آثار ادبی ۱۹۲ و هنر ۱۹۰.۵ است و کمترین عوامل تقویت کننده هویت ملی شامل نژاد ۸۸ و مذهب شیعه ۹۸.۵ می‌باشد. می‌توان نتیجه گرفت، توسعه گردشگری و ارتباط میان اقوام و فرهنگ‌های مختلف خود می‌تواند منجر به آشنایی اقوام و فرهنگ‌ها با یکدیگر و در نهایت تقویت همبستگی ملی گردد.

واژگان کلیدی: گردشگری، گردشگری فرهنگی، هویت ملی، جمهوری اسلامی ایران

۱- استادیار جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد

۲- دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

۳- دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه تربیت مدرس

امروزه حکومت‌های ملت- پایه مدرن در مقایسه با امپراتوری‌ها و حکومت‌های نوع قدیم اساس حکمروایی خود را بر همگنی و انسجام بیش از پیش ملی قرار داده‌اند و این گونه حکومت‌ها می‌کوشند با اعمال سیاست‌هایی معین این همگنی و انسجام را افزایش دهند و بدین ترتیب اتحاد و همبستگی ملی را قوام بخشند. جمهوری اسلامی ایران نیز با آنکه از یک پیشینه دولتی دیرین و هویت دیرپای ایرانی برخوردار بوده است، با تکیه بر این سابقه، روش‌های مدرن دولت- ملت‌سازی را در پیش گرفته است و از زمان تشکیل دولت مدرن که نزدیک به صد سال می‌گذرد؛ پیوسته سعی شده است، سیاست‌ها به گونه‌ای تنظیم شود و به اجرا در آید که خدشه‌ای در این وحدت به وجود نیاید و این بنیان مرصوص همچنان پایدار بماند. در کنار این موضوع آنچه در مورد ایران حائز اهمیت است موقعیت جغرافیایی و راهبردی ایران است. تنوع جمعیت ایران و خطرهای بالقوه‌ای که از جانب برخی از کشورهای همسایه و نیز قدرتهای بزرگ ما را تهدید می‌کند، ما را وادار می‌دارد که بیش از سایر کشورها نسبت به وحدت ملی و لزوم تقویت هویت ملی حساسیت به خرج دهیم (فرجیان، ۱۳۹۳: ۴). همچنین مسائل ناشی از جهانی شدن و ورود به عصر اطلاعات که به صورت‌های مختلف هویت‌های ملی را در دو جهت فراملی و فروملی به چالش کشیده است که این نیز بر ضرورت توجه به هویت ملی و تلاش جهت تقویت آن را تا حد قابل توجهی افزایش می‌دهد. جهت دستیابی به این مهم راهبردهای متفاوتی از سوی حکومت‌ها با هزینه‌های بالا برای کشور، در پیش گرفته شده است که برخی توانسته‌اند مفید واقع شوند و برخی دیگر موفقیت‌قابلی را به همراه نیاورده‌اند. در این میان یکی از راهبردهایی که می‌تواند با کمترین هزینه و حتی با ایجاد بستری برای کسب درآمد زمینه تقویت هویت ملی را فراهم آورد، استفاده و بهره‌گیری از راهبردی توسعه گردشگری در فضای کشور است. به این صورت که، انسان موجودیست اجتماعی و تمامی رفتارهای انسانی به نوعی در ارتباط با جمع است. در کنار یکدیگر قرار گرفتن آدمیان، زمانی می‌تواند نیروی مؤثری ایجاد نماید که در میان آنها رابطه‌ای همبسته، به هم پیوسته و اندام وار حاکم باشد (میرمحمدی، ۱۳۷۷: ۵۹). گردشگری که در دنیای قدیم منحصر به امور زیارت، پیام رسانی، مسافرت‌های استثنایی جاسوسان و ماجراجویان و همچنین طالبان علم بود، امروزه به مثابه یکی از مسائل مهم و موثر اقتصادی و یکی از عوامل برجسته ارتباطی، اجتماعی و فرهنگی در سطح جهانی در خور و توجه و بررسی است (karar, 2001: 100). در واقع گردشگری به مثابه صنعتی موثر و تأثیرگذار بر جوامع توانسته است توجه سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان را به خود جلب کند. این صنعت، فعالیتی گسترده است که تأثیرات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست محیطی مهمی را با خود به همراه دارد و هر یک در جای خود قابل بحث و بررسی است. در بسیاری از کشورهای جهان که به توسعه گردشگری پرداخته‌اند، تأثیرات در خور توجهی بر اقتصاد مشاهده می‌شود (حاجی‌نژاد، ۱۳۸۸: ۹۲-۹۱). از سوی دیگر، گردشگری در ساخت جهانی سرشار از صلح و صفا بسیار مفید و مؤثر است. سیر و سفر انسان‌ها به نقاط مختلف دنیا موجب انس و الفت ملت‌ها می‌شود و به مردم جهان می‌فهماند که به رغم تفاوت‌های فرهنگی و نژادی، می‌توانند در بسیاری از جنبه‌های زندگی، هماهنگ و متحد باشند. با این تفاسیر مداخله دولت در امور جهانگردی امری انکارناشدنی است و بهره‌برداری پایدار از تمام ظرفیت‌های گردشگری تنها در سایه قواعد اصولی و قانونی امکان‌پذیر است. به عبارتی، صنعت گردشگری بدون مداخله دولت‌ها قادر به بقای خود نیست، زیرا تنها دولت‌ها هستند که توان تأمین ثبات و امنیت را دارند (افضلی، ۱۳۸۹: ۱۲۰). در میان انواع مختلف گردشگری، گردشگری فرهنگی به عنوان بعد جدیدی از گردشگری ضمن دارا بودن جنبه اقتصادی دارای برتری قابل توجهی در زمینه ایجاد تعامل بین ملت‌ها و افراد چه در درون کشور در قالب تقویت هویت ملی و چه با سایر کشورها در قالب همدلی می‌باشد. با وجود این ظرفیت‌ها، متأسفانه توجه خاصی به گردشگری فرهنگی جهت ایجاد و تقویت هویت ملی همدلی و انسجام در میان گروه‌های قومی حاضر در فضای یک کشور صورت نگرفته است. بر این مبناء، مقاله حاضر سعی دارد گردشگری فرهنگی را در قالب راهبردی جهت تقویت همدلی میان گروه‌های قومی در درون مرزهای کشور در نظر بگیرد. در این بین جمهوری اسلامی ایران، یکی از غنی‌تر فرهنگ‌های قومی را با دارا بودن تعدد گروه‌های قومی دارا می‌باشد، گروه‌های قومی که با وجود تفاوت‌های فرهنگی اعتقادی زبانی و نژادی و محیطی همیشه و در همه جا دارای اقتدار و همبستگی بوده‌اند که آنرا در تمامی اعصار تاریخی می‌توان مشاهده نمود، می‌توان از راهبرد گردشگری فرهنگی جهت ایجاد همدلی در بین گروه‌های قومی بهره برد. زیرا، سیر و سفر و گردش و به‌طور کلی مقوله گردشگری به شکل صحیح آن علاوه بر وجود فواید بسیار می‌تواند به ایجاد شناخت مؤثر نسبت به محیط و ساکنان مقصد گردشگری برای گردشگر گردد که این خود سبب ایجاد همدلی و درک بیشتر متقابل افراد و گروه‌های قومی نسبت به یکدیگر می‌شود. این موضوع از جهات فراوانی بر زندگی و هویت یک کشور تأثیر گذار است که از جمله آن می‌توان تأثیر آن بر امنیت کشور، اقتصاد خرد و کلان کشور، فرهنگ و هویت قومی نام برد. اما تمامی این امور میسر نیست مگر با ایجاد همدلی بین گروه‌های قومی مختلف که این خود خواستار شناخت کافی می‌باشد که این شناخت حاصل نمی‌گردد مگر با سفر و حضور در مکانها و برقراری ارتباط با مردمان ساکن در آنجا. در واقع پرسش و مسئله‌ی اصلی این است که آیا می‌توان از گردشگری فرهنگی به عنوان راهبردی جهت تقویت هویت ملی در کشور بهره برد؟ بر

این مینا، مقاله حاضر تلاش دارد متناسب با عوامل شکل دهنده هویت ملی کشور، جایگاه گردشگری فرهنگی را در شکل دهی و تقویت هویت ملی کشور مورد بررسی و تحلیل قرار دهد.

۲- مباحث نظری تحقیق

۲-۱- گردشگری فرهنگی

فرهنگ در گردشگری موثر است و جاذبه اصلی آن به شمار می‌رود. نظریه قدرت نرم جوزف نای که در قرن بیستم مطرح شده، در واقع پاسخی به توسعه بین‌المللی و براساس سیاست‌های بین‌المللی ایالات متحده آمریکا در عرصه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی شکل گرفت. نقطه عطف این نظریه، نارضایتی نسبت به قدرت توضیحی بود که توسط واقع‌گرایان در الگوهای قدرت روابط بین‌الملل مطرح شده بود. وی بیان می‌کند که واقع‌گرایی بر قدرت سخت متکی است در حالیکه که در جهان امروز، فرهنگ، سیاست، ارزش‌ها در امور بین‌الملل نقش مهم‌تری ایفا می‌نمایند و براین اساس کشورها باید منبع جدیدی از قدرت را درک و فهم می‌نمایند. (Lin, 2017: 69). گردشگری فرهنگی با گردشگری قومی و تنوع قومی عجین بوده و به‌طور کلی به تأثیر آن بر توسعه‌ی جوامع مربوط می‌شود. گردشگران فرهنگی با انگیزه‌هایی چون، علاقه به تاریخ، شناخت روحیه‌های ملت‌ها، افزایش دانش فرهنگی و پژوهش درباره‌ی یک موضوع تاریخی به مسافرت می‌پردازند (پوراحمد، ۱۳۹۲: ۳). به بیانی دیگر، گردشگری فرهنگی اهداف مختلفی را از جمله، ایجاد گفت و گو میان دست‌اندرکاران محیط زیست با دست‌اندرکاران گردشگری درباره اهمیت شکنندگی مکان‌های میراثی و فرهنگ‌های زنده، تشویق برای ایجاد طرح و راهبرد جامع و تبیین مکان‌های میراث و حفظ آنها دنبال می‌کند (مجیدی، ۱۳۸۹: ۲۶۴). باید توجه کرد که، گردشگری فرهنگی را می‌توان به دو شاخه مهم گردشگری میراث و گردشگری دینی (زیارتی) تقسیم کرد. گردشگری میراث و تاریخی در عصر پسامدرن، به دلیل ایجاد یک حس دلتنگی بیشتر در شرایط هویت فرهنگی و اجتماعی مختلف، دارای اهمیت ویژه‌ای است (پاپلی‌یزدی، ۱۳۸۵: ۱۸۳). از منظری دیگر، هنگامی که گردشگر محیط زیست علاوه بر جستجو در محیط طبیعی و شناخت ویژگی‌های آن، به یادگیری و یا شناخت فرهنگ مردم بومی (از طریق ارتباط مستقیم و یا از طریق شواهد زندگی آن‌ها) در محیط طبیعی زندگی آن‌ها اقدام کند، نوعی از گردشگری فرهنگی به فعلیت رسیده است که به آن گردشگری قومی نیز اطلاق می‌شود. در این‌گونه از گردشگری، اقلیت‌های قومی، نژادی و محلی، فرهنگ خود را در محیط طبیعی خود به گردشگران معرفی می‌کنند (شریفی، ۱۳۹۱: ۱۶). در گردشگری فرهنگی، هدف اصلی گردشگر دیدن جلوه‌های فرهنگی یک مقصد از قبیل مراسم، رفتارها، نمایشگاه‌ها، هنر و موسیقی آن است. در مناطق در حال توسعه، اماکن مذهبی یا کارگاه‌های صنایع دستی از جمله جاذبه‌های فرهنگی برای گردشگران است (کازمی، ۱۳۸۰: ۱۵). گردشگری فرهنگی امکان گسترش در همه جا را دارد، چون هم‌همی مناطق فرهنگ دارند (موسوی‌حاجی، ۲۰۱۰: ۵). یونسکو گردشگری فرهنگی را به عنوان یکی از عناصر محافظت از میراث فرهنگی جهانی اعلام کرده است. کمیسیون اروپا از گردشگری بعنوان یک صنعت اصلی حمایت می‌کند و در بسیاری از قسمت‌های جهان از آن به عنوان یک وسیله حیاتی در جهت حمایت اقتصادی از فعالیت و آداب و سنن محلی یاد می‌کنند. (Richards, 2007:121)

۲-۲- هویت ملی

امروزه مسأله هویت خصوصاً هویت ملی در ابعاد و سطوح مختلف و همچنین دگرگونی‌های آن در کانون توجه بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی و سیاسی قرار داشته و دل مشغولی زیادی برای اندیشمندان و جوامع ایجاد کرده است. بدون هویت ملی، نمی‌توان از وجود اجتماع یا هویت اجتماعی صحبت کرد. یعنی بدون وجود چارچوب‌های مشخصی که شباهت و تفاوت‌ها را مشخص سازد، افراد یک جامعه امکان برقراری ارتباطی معنادار و مستمر را میان خود نخواهند داشت (میرحیدر، ۱۳۹۲: ۲). هویت ملی به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و سیاسی، زاده عصر مدرن اروپاست که از قرن ۱۷ آغاز می‌شود. این مفهوم از اواخر قرن نوزدهم به کشورهای جهان سوم و تازه استقلال یافته، راه پیدا کرده است به همین دلیل می‌توان شکل‌گیری هویت ملی را با شکل‌گیری ملت به معنای امروزی آن مقارن دانست (علم، ۱۳۸۶: ۹۸-۸۱). هویت ملی عبارتست از مجموعه خصایص و ارزش‌های مشترک یک ملت که افراد آن نسبت به آنها، خودآگاهی یافته و به واسطه آنها احساس یگانگی و تعلق به یکدیگر می‌کنند. هویت ملی باعث تمایز یک ملت از دیگران شده و موجبات معرفی آن را فراهم می‌آورد. هویت ملی بر پایه خصوصیات سرزمینی، فرهنگی، تاریخی، دینی، قومی، نژادی و غیره شکل می‌گیرد (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۲۱۱) و مربوط به چگونگی پیدایش و بقای یک ملت می‌گردد، و بخش پر اهمیتی از موجودیت روحانی بشر شمرده می‌شود. احساس تعلق داشتن به یک محیط جغرافیایی ویژه و نیاز به شناخته شدن به ویژگی‌های محیطی و فرهنگی آن محیط جغرافیایی ویژه بخش پر اهمیتی از وجود روحانی بشر شمرده می‌شود به این ترتیب، یک کشور هنگامی زنده است و مستقل که در درجه نخست شخصیت ملی مستقلی داشته باشد. شخصیت نو هویت ملی یک ملت هنگامی موجودیت پیدا می‌کند که تار و پود یا پدیده‌های ترکیب کننده آن یعنی نهادهای فرهنگی و روحانی ویژه آن

ملت یا کشور موجود باشد. این نهادها در هر سرزمین زاینده گونه ویژه‌ای از تبادل اندیشه‌ها، سلیقه‌ها، باورها و رویکردهای اجتماعی مردمان آن سرزمین است که از فضای انسانی- اجتماعی ویژه آن محیط سرچشمه می‌گیرد و بر همان فضا سایه افکنده و ضامن یکپارچگی آن است و شناسنامه یا «هویت» آن فضا شناخته می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۱۲۸). به عبارت روشن تر هویت ملی فراگیرترین و در عین حال مشروع ترین سطح هویت در تمامی نظام‌های اجتماعی و کشور است (حیدری، ۱۳۸۳: ۵۰).

۲-۳- عوامل شکل دهنده هویت ملی جمهوری اسلامی ایران

از منظر یک جغرافیدان هویت ملی هویتی است که در فضایی خاص و در قالب کشور شکل می‌گیرد. به عبارت دیگر یک کشور فضایی است که از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است و و انسان خود را با آن می‌شناسد. طبق این دیدگاه هر کشوری به تناسب زمان، مکان و ویژگی‌های انسانی - محیطی و جهان بینی حاکم بر آن از هویت خاص و متفاوتی برخوردار است. براین اساس هویت ملی شامل مجموعه‌ای از خصایص و ارزش‌های مشترک یک ملت مستقل می‌باشد که افراد ملت نسبت به آنها خودآگاهی یافته اند و به واسطه آنها به یکدیگر احساس تعلق می‌کنند (قالیباف و دیگران، ۱۳۹۰: ۷). با آنکه هویت ملی به معنای امروزی آن پدیده تازه‌ای است و هویت ملی امروز ایرانیان نیز از دوران مشروطیت و به خصوص در دوران پهلوی شکل گرفته اما نوعی هویت جمعی با تصور ایرانی بودن در معنای یکپارچه سیاسی، قومی، دینی، زبانی، زمانی و مکانی آن در دوران ساسانیان ساخته و پرداخته می‌شود. مفهوم هویت ایرانی در دوران اسلامی نیز با نشیب و فرازهایی پایدار ماند، در عصر صفوی تولدی دیگر یافت و در عصر جدید به صورت هویت ملی ایرانیان متجلی گردید (هرسیچ و دیگران، ۱۳۸۹: ۱۵۹). عناصر سازنده هویت ملی ایران را می‌توان برحسب تداوم و اهمیت به شرح زیر دانست:

تاریخ ایران

سرزمین و جغرافیا

میراث سیاسی و نهاد دولت

میراث فرهنگی ایران

جامعه و مردم ایران

دین و میراث معنوی ایران (احمدی: ۱۳۸۲، ۱۵-۲۶).

یکی از کامل‌ترین تقسیم‌بندی‌ها را حافظ‌نیا در کتاب جغرافیای سیاسی ایران مطرح کرده که شامل موارد ذیل می‌شود: سرزمین مشترک ایران، تاریخ مشترک ایران، زبان فارسی و شعبات فرعی ایران، فرهنگ عامه ایرانی شامل آداب و رسوم، سنت‌ها میراث و نمادهای فرهنگی مانند تخت جمشید، هنرهای بومی و سنتی ایرانی، میراث ادبی و معنوی ایرانی، میراث علمی و معرفت‌شناسی ایرانی، مذهب تشیع، نمادهای ملی ایرانی، نشان ملی، پول ملی، نام کشور ایران و حکومت ملی (قالیباف و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶).

۲-۴- راهبرد

استراتژی که به فارسی راهبرد معنا شده است از کلمه استراتگوس به معنای فرمانده لشکری و کشوری مشتق شده است. در زمان جنگ‌های ایران و روم کسی که در رأس ده‌هنگ پیاده نظام قرار می‌گرفت استراتگوس نام داشت. فنونی که یونانیان و رومیان برای پیروزی در جنگ به کار می‌بردند، در حقیقت نوعی حیل نظامی بود که استراتژم نامیده می‌شد. به همین علت قدیمی‌ترین تعریفی که از واژه راهبرد می‌توان یافت این است که: راهبرد یعنی هنر فرماندهان در زمینه تدبیرها و حیل‌های نظامی و فرماندهی جنگ (پیردشتی، ۱۳۸۵: ۳۱). راهبرد صرفاً یک موضوع تئوریک نیست، بلکه بین تئوری و عمل پیوند برقرار می‌کند. یکی از جنبه‌های مهم راهبرد این است که از یک طرف تحولات را مهار می‌کند و از طرفی دیگر تولید رفتارهای جدید می‌کند. چون یکی از مشکلات اساسی در دوران حاضر پیچیدگی و سرعت تحولات است. یکی از نقش‌های راهبردی این است که جریان‌ات غیر خطی را به خطی تبدیل می‌کند و با ایجاد رفتارهای جدید امکان پیشی گرفتن از رقبا را فراهم می‌آورد (حسن بیگی، ۱۳۹۰: ۵۲).

۳- روش تحقیق

روش کلی تحقیق حاضر توصیفی- تحلیلی است. اطلاعات مربوط به بخش نظری پژوهش به شیوه کتابخانه‌ای و میدانی (پرسشنامه) جمع‌آوری گردیده است. داده‌های بخش کتابخانه‌ای با مراجعه به کتب، مقالات و سایت‌های معتبر اینترنتی گردآوری شده است. در روش میدانی از پرسشنامه استفاده گردیده است. برای جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق به روش پرسشنامه‌ای به صورت زیر عمل شده است: پرسشنامه ارائه شده برای گردآوری اطلاعات میدانی شامل ۲۶ سوال می‌باشد که این پرسش‌ها بر

اساس عوامل شکل‌دهنده هویت ملی جمهوری اسلامی ایران در قالب طیف لیبرال تنظیم گردیده است. هر کدام از پرسش‌ها تأثیرگذاری گردشگری فرهنگی را عوامل شکل‌دهنده هویت ملی را مورد بررسی قرار داده‌اند. جامعه آماری انتخاب شده برای پاسخ گویی به این پرسشنامه شامل دو گروه می‌باشد، که عبارتند از صاحب‌نظران دانشگاهی (شامل اساتید و دانشجویان رشته‌های جغرافیای سیاسی، علوم سیاسی و ...) و شهروندان. نمونه براساس روش تصادفی و به تعداد ۴۰ نفر انتخاب گردید.

۴- یافته‌های تحقیق

۴-۱- داده‌های کتابخانه‌ای

۴-۱-۱- سرزمین

کلمه سرزمین از terra گرفته شده که لفظی لاتین بوده و به معنای زمین است (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۴). معنای رایج سرزمین بخشی از فضای اشغال شده به وسیله یک فرد، گروه، اقتصاد محلی یا حکومت است. همیشه سرزمین به معنای فضای اجتماعی محدود شده ای است که به وسیله گروه‌های اجتماعی گوناگون و به دلیل پیامد استراتژی‌های سرزمین‌سازی اشغال و مورد استفاده واقع می‌گردد. گرچه هر شخصی سعی می‌کند که به دلیل تمایلات غریزی که دارد، حریم شخصی خود را حفظ نماید. مفهوم سرزمین اگرچه به نظر به صورت ساده انگارانه ای فقط به قلمرو حکومت تقلیل یافته است ولی واقعیت آن است که به غیر از حکومت- ملت، گروه‌های اجتماعی، سازمان‌های سیاسی، اقوام، گروه‌های بومی و از نظر تاریخی قبیله‌ها، امپراطوری‌ها، جنبش‌های ضد استعماری نیز دارای سرزمین بوده و یا ادعاهای سرزمینی دارند (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۸۹: ۹۴). سرزمین بخشی از جلوه‌گاه جغرافیایی است که با ادامه فیزیکی قلمرو یک حکومت برابری پیدا می‌کند. این مفهوم گستره فیزیکی و حمایت سیاسی است که یک ساختار حکومتی به خود می‌گیرد. این مفهوم، پهنه فیزیکی یک سیستم سیاسی را معرفی می‌کند که در حکومتی ملتی و یا در بخشی از آن که از گونه‌ای اقتدار برخوردار باشد، قوام می‌گیرد (مجتهدزاده، ۱۳۹۱: ۴۵). ایران کشوری در جنوب غرب آسیا و در منطقه خاورمیانه با ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع وسعت و برپایه سرشماری سال ۱۳۹۵ دارای جمعیتی حدود ۷۹۹۲۶۲۷۰ نفر است. ایران از شمال با جمهوری آذربایجان، ارمنستان و ترکمنستان، از شرق با افغانستان و پاکستان و از غرب با ترکیه و عراق همسایه است و همچنین از شمال به دریای خزر یا دریای کاسپین و از جنوب به خلیج فارس و دریای عمان محدود می‌شود که دو منطقه نخست از مناطق مهم هم استخراج نفت و گاز در جهان هستند (<https://fa.wikipedia.org>). طبیعت ایران بسیار متنوع، گوناگون و شگفت‌انگیز است. ناهمواری‌ها، شرایط اقلیمی، گیاهان و جانوران آن که به تعبیری جغرافیای طبیعی و زیستی را شامل می‌شوند کنار یکدیگر مجموعه ای را تشکیل داده اند که می‌توان آن را در سراسر دنیا کم نظیر دانست. وجود کوه‌های بلندی که همیشه پوشیده از برف است تا جلگه‌های گرمسیری مشرف به خلیج فارس و دریای عمان از یک سو و جنگل‌های مرطوب گیلان و مازندران تا بیابان‌های فراخک لوت از دیگر سو به علاوه مجموعه تضادهای اقلیمی، توپوگرافی و زمین‌شناسی سبب پیدایش طیف وسیعی از انواع اکوسیستم‌ها در این سرزمین شده است. این عناصر در کنار گونه‌های جانوری، گیاهی و چشم‌اندازهای خاص ایران، قابلیت‌ها و ویژگی‌های طبیعت کشور را دو چندان کرده است (محبی، ۱۳۸۶: ۲۵). ایران سرزمین وسیعی است که بخش‌هایی از مناطق جنب حاره و معتدله زمین را اشغال کرده است و اقلیم آن تحت تأثیر عوامل مختلف جغرافیایی است و علی‌رغم یک نوع وحدت و همگونی اقلیمی از نواحی آب و هوایی متعددی برخوردار است (بلادیس و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۰). آب و هوا به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در تشکیل چشم‌اندازهای ناحیه ای به دلیل وابستگی آن به شرایط ارتفاعی و موقعیت جغرافیایی در ایران از تنوع زیادی برخوردار است (بلادیس و دیگران، ۱۳۸۵: ۳۱). ایران کشوری است که از فرهنگ‌های مختلف تشکیل شده و مردم کشور فارغ از اختلاف در قومیت، مذهب و زبان همگی ملت ایران را تشکیل داده‌اند (پورموسوی و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۷). در برخی از مناطق گروه‌هایی از یک فرهنگ در ناحیه فرهنگی خاصی در اقلیت هستند و در احاطه گروه فرهنگی مسلط زندگی می‌کنند که ما این مناطق را جزایر فرهنگی می‌نامیم. ترک‌ها، کردها و بلوچ‌ها که اقلیت قابل توجهی را در خراسان تشکیل می‌دهند به همراه قشقایی‌ها در ناحیه فرهنگی فارس و اعراب در بندر چارک در هرمزگان از این نوعند. در بسیاری از مناطق نیز فرهنگ یک منطقه جغرافیایی ویژگی‌هایی از دو فرهنگ مجاور خود را دارد مانند جنوب کرمان که ویژگی‌های فرهنگی بلوچستان و هرمزگان را دارد؛ همچنین لک‌ها در استان ایلام که ویژگی‌هایی از فرهنگ لری و کردی را دارا هستند. این مناطق را می‌توان مناطق گذار فرهنگی تعبیر کرد (پورموسوی و دیگران، ۱۳۸۷: ۸۰).

۴-۱-۲- نام ایران

نام هر کشور در ایجاد هویت و چهارچوب مناسب برای یکپارچگی و وحدت ملی موثر است. انتخاب نام معنی دار به طوری که چترکامل و پوشش فراگیری برای افراد ملت ایجاد کند تا همه یا اکثریت قاطع جمعیت ساکن در سرزمین خود را متعلق به آن بدانند، یک امر اساسی است و باید توجه دولتمردان کشور بدان معطوف باشد (حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۹۰).

نام ایران خاستگاهی قومی دارد و معرف قوم و نژادی است که براساس نظریه های باستان شناسی و تاریخی، اجداد و نیاکان ساکنان سرزمین ایران بوده اند. این قوم که به آریایی‌ها معروفند در اواسط هزاره دوم قبل از میلاد وارد فلات ایران شدند و از طریق محو کردن یا راندن تمدن های پراکنده و کوچک بومی و یا ادغام در آنها، تمدن و فرهنگ جدیدی را در سرزمین ایران مستقر ساختند که در دوره های بعد به درجاتی از تکامل نایل آمد و هویت سکنه سرزمین ایران را شکل داد. واژه ایران از دوره ساسانی رواج یافت و پس از اسلام نیز به طور گسترده استفاده می‌شد (حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۱۰). اقوامی که بخش های بزرگی از آنها از جایی در گذشته های دور آمده بودند و خود را از تیره ایر می‌دانستند، جمع آن را ایران خواندند که هم نام سرزمینشان شد و هم نام مردمانش و آثانی را که بیرون از آن دایره بزرگ بودند، انیران یعنی غیر ایران نامیدند (مجلسی، ۱۳۹۲: ۲۰۴). در دوره خلافت اسلامی واژه ایران حتی به معنای جغرافیایی آن رایج نبود، جغرافیدانان نیز همچون تاریخ نگاران آن را نادیده گرفته بودند. به نظر می‌رسد که با فروپاشی امپراطوری ساسانی به دست اعراب در قرن دوم هجری قمری واژه ایران شهر نیز برافتاد و در تاریکی های تاریخ گم شد و اصطلاح دارالاسلام به طور کامل جای آن را گرفت، آنگاه نام‌های گوناگونی از اقالیم ایران برجای ماند که نزد مولفان متداول بود (کروولسکی، ۱۳۷۸: ۴). ولی از دوره صفویه به بعد با تأمین وحدت جغرافیایی و سیاسی ایران، از کشور ما به زبان فارسی، همه جا به لفظ ایران یاد شده است؛ از جمله در قراردادهایی که بین ایران و کشورها یا مؤسسات خارجی به امضا رسیده است. ولی از دوره صفویه به بعد اروپاییان به مانند پیش از این دوره به زبان خود، کشور ما را فقط Perse و یا Persia می‌خواندند (متینی، ۱۳۸۲: ۷۷۹). این وضعیت دوگانه در اطلاق واژگان ایران و پرشیا که مدتها ادامه داشت، باعث شد که دولت ایران در زمان رضاشاه رسماً نام ایران را برای کشور برگزیند و به کارگیری آن را به جای واژه پرشیا از جامعه بین‌المللی خواستار شود (حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۱۰). به طور کلی هویت ایرانی قبل از هرچیز با مفهوم ایران و ایرانشهر مقاربت پیدا می‌کند. مفهوم ایران دو معنای قومی و جغرافیایی را در خود دارد که چه در دوران اسطوره‌ای و چه اعصار تاریخی، تاثیر مهمی در قوام بخشیدن به حیات جمعی، انسجام جغرافیایی و تمرکز سیاسی این مرز بوم داشته است (قالیباف و دیگران، ۲۰۰۱: ۳۹۰).

۴-۱-۳- تاریخچه

به اعتقاد جیمز اندرسون، تاریخ منحصر به فرد ملت در چارچوب سرزمین خاص متعلق به ملت تجسم می‌یابد. به عبارت دیگر استمرار و تداوم تاریخی مردمان ساکن در یک فضای جغرافیایی دلیل محکمی بر وجود و بقای آن مردم بوده و عامل مهمی در حفظ و یکپارچگی هویت ملی می‌تواند باشد و این تداوم تاریخی با تجربه تاریخی همراه است و تجربه های تاریخی مشترک از موثرترین دلایل وجودی هرکشور که همانا همبستگی ملی است به شمار می‌آید (قالیباف و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲). استمرار نهاد حکومت، بقای دیرپای کشور، آرمان مردم، فرهنگ و سایر ویژگی‌های خاص ایران در طول تاریخ پر فراز و نشیبی شکل گرفته، آزموده شده و قوام پیدا کرده است. قرن‌ها همزیستی، تجربه کردن مشترک شکست‌ها، پیروزی‌ها و هزاران رویداد تلخ و شیرین تاریخ را به یکی از اصلی‌ترین مبانی هویت ملی و بقای کشور تبدیل شده است (حافظ نیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰). تاریخ یکی از عناصر مهم هویت ایرانی است. چراکه در دوران گذار از ساسانیان به بعد از اسلام، تلاش بسیاری از برای تاریخ نگاری صورت گرفت. چه از سوی ایرانیان و چه از عرب‌ها به فارسی و عربی. آنچه از ایران داشتند تاریخ ایران بود. تاریخ ملوک عجم و تواریخی شبیه به این. این تاریخ دو جنبه اساطیری و واقعی دارد. نکته مهم این است که کارکرد اساطیری این تاریخ بیشتر بوده است. همه کسانی که تاریخ ایران می‌نوشتند چه عرب و چه ایرانی، از اساطیر ایران شروع می‌کرده‌اند. دولت ایرانی هم که زنده شد و اهل قلم و ادب ایرانی که بازسازی هویت ایرانی پرداختند، پیش از هر چیز از تاریخ نوشتند (احمدی و دیگران، ۱۳۸۷: ۲۲-۲۳). تاریخ مردم ایران در آنچه به دوران قبل از اسلام آن مربوط می‌شود ماجرای تلاش مستمر و بی‌وقفه‌ای است که قوم ایرانی از آغاز ورود به فلات ایران در راه ایجاد و توسعه فرهنگ و تمدن انسانی و پربار و در مبارزه با تهدیدهایی که از داخل و خارج محیط زندگانش نیل به این غایت را برای وی دایم با دشواری‌های سخت و گونه‌گون مواجه می‌کرده است بر عهده داشته است و اینکه پایان آن دوران در آغاز عهد اسلام منجر به بسط و توسعه بیشتر در ابعاد انسانی این فرهنگ گشته است نشان می‌دهد که گذشته باستانی قوم به رغم پندار کوتاه بینان بی حاصل نبوده است و اگر دستاورد آن در ساخت دین و دانش با آنچه در عهد اسلام عاید وی شد قابل مقایسه نیست این معنی که مولود قدرت معنوی آیین تازه است از اهمیت آن دوران چیزی نمی‌کاهد و پیداست که بدون توجه به آن دوران طولانی تاریخ مردم ایران در عهد اسلام را هم نمیتوان در همه ابعاد آن به درستی ارزیابی کرد (ندیم، ۱۳۷۹: ۳۷).

۴-۱-۴- زبان فارسی

زبان به عنوان ابزاری برای بیان اندیشه جزئی از میراث مکتوب و شفاهی یک ملت است. مثلاً ادبیات بخش مهمی از فرهنگ و هویت ملی یک کشور را تشکیل می‌دهد. در واقع بخش مهمی از فرهنگ هر ملت را میتوان از طریق زبان آن ملت انتقال داد، چون زبان به عنوان وسیله‌ای برای برقراری ارتباط در سطح جامعه، خود یکی از عوامل بیان و تولید فرهنگ و اندیشه

است (داوری اردکانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۴۸). نگرش مردم هر جامعه‌ای از زبان و فرهنگ آن جامعه ناشی می‌شود. به عبارت دیگر زبان و فرهنگ ارتباط بسیار مستقیمی با هم دارند. یعنی با مطالعه ظاهر و روبنای ادبیات و زبان هر ملتی می‌توان به آداب، رسوم، سنن، اندیشه‌ها و باورهای آن ملت دست یافت (پاشایی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۳).

زبان فارسی و تاریخ از نظر مسکوب از جمله عوامل مهم انتقال مولفه‌های فرهنگی ایران به دستگاه حکومت اعراب در ایران هستند؛ چراکه این دو عامل وجه تمایز ایرانیان از سایر مسلمانان بوده است. او به این ترتیب ورود زبان و تاریخ به عنوان عناصر سازنده هویت ایرانی را توجیه می‌نماید. استدلال او این است که چون هنرهای ایرانی مانند نقاشی، موسیقی و رقص در اسلام جایز نبود و بنابراین این هنرها قادر به انعکاس هویت ایرانی در فضای اسلام نبودند، زبان مولفه‌ای اساسی برای ایفای این مهم شد (داوری اردکانی، ۱۳۸۶: ۱۰). زبان فارسی ابزار ارتباط متقابل اکثریت سکنه فلات ایران شناخته می‌شود، چنانکه حتی مردمان کشورهای افغانستان و تاجیکستان که در امتداد جغرافیایی فلات ایران قرار دارند به فارسی تکلم می‌کنند. علاوه بر این گویش‌های محلی متعلق به اقوام پیرامون ایران نیز از خانواده زبان‌های ایرانی به شمار می‌روند. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، از زبان و خط فارسی به عنوان زبان و خط رسمی کشور و عامل مشترک ملت یاد شده است، زیرا در بین زبان‌های موجود کشور، از گستره فراگیرتری برخوردار است و اقوام مختلف نیز تا اندازه‌ای با آن آشنایی دارند، ضمن اینکه استفاده از زبان‌های محلی در کنار زبان فارسی امکان‌پذیر است (حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۱۸). زبان فارسی یکی از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده هویت ایرانی است به این معنا که ایرانیان به یاری این زبان توانستند میان فرهنگ جدید اسلامی و فرهنگ باستانی خود گونه‌ای سازگاری ایجاد نمایند و به همین دلیل است که زبان فارسی، زبان دوم جهان اسلام شمرده می‌شود بر این نکته تأکید می‌کند که نقش زبان فارسی در تحکیم شالوده هویت فرهنگ ایرانی انکار نپذیر است و امروزه شایسته تحلیل و بررسی است (پاشایی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۳). زبان فارسی از راه برخورد با زبان‌های اروپایی و بازسازی خویش از این راه، ساده تر و دقیق تر شده است و در حوزه علم و فلسفه جدید آمادگی بیشتری یافته است و این توانایی حاصل کوششی است که نوآوران در زبان فارسی کرده اند. زبان و ادبیات فارسی با چنین پیشینه‌ای از مرزهای جغرافیایی ایران فراتر رفته و توانسته است بسیاری از سرزمین‌ها را تحت تأثیر خود قرار دهد (پاشایی و دیگران، ۱۳۸۸: ۳۳).

۴-۱-۵- مذهب تشیع

مذهب به معنای احساسات و رویدادهایی که برای انسان در عالم تنهایی و در اجتماع روی می‌دهد، در گذشته یکی از عوامل موثر در تفکیک مرزهای جغرافیایی بود. در قرن بیستم نیز کم و بیش نقش‌آفرینی عوامل مذهبی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و پدیده‌های ناشی از آن تداوم داشته است. در حال حاضر هم ثبات سیاسی برخی از کشورها تا حد زیادی در ارتباط با توزیع فضایی مذهب و نیز زبان است. در حقیقت مذهب در کنار زبان یکی از قوی‌ترین نیروهای موثر در کشورهای مستقل کنونی محسوب می‌شود. همچنین عامل مذهب هنوز علت وجودی و بقای بسیاری از کشورها است (احمدی، ۱۳۸۹: ۴۲). شیعه در لغت به معنی اتباع و انصار آمده و اصل آن از مشایعت است که به معنی مطاوعت و متابعت می‌باشد و هر قومی که اجتماع بر امری کنند و از فردی پیروی نمایند گفته می‌شود که شیعه او هستند (اله‌امی، ۱۳۶۶: ۱۷۹). ولی کلمه شیعه در عرف مسلمین به تنهایی معنای عام ندارد بلکه اختصاص دارد بر گروهی که علی (ع) را یاری کردند و به او گرویدند و او را امام و پیشوای خود قرار دادند و این گروه او را دارای مقام و رتبه‌ای می‌دانند که بر همه معاصرانش بجز نبی اکرم برتری داشت (اله‌امی، ۱۳۶۶: ۱۸۱). اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران پیرو دین اسلامند و از این حیث جزئی از قلمروی جغرافیایی وسیعتری به نام جهان اسلام محسوب می‌شود. از آنجایی که عقیده مشترک دینی و مذهبی نقش بنیادین در ایجاد همبستگی میان پیروان هر دین ایفا می‌کند، یکی از عوامل بنیادین ملت‌سازی در ایران، مذهب شیعه است بخصوص آنکه این ویژگی حداقل با دو عامل دیگر تقویت و پشتیبانی می‌شود. یکی در اقلیت قرار داشتن پیروان مذهب تشیع در جامعه، مسلمانان جهان و تجمع اکثریت آنها در فلات ایران، دوم گسترش جغرافیایی مناطق استقرار شیعیان در سطح کشور و انطباق آن در اکثر مناطق پیرامونی بر مرزهای سیاسی (حافظ نیا، ۱۳۹۱: ۲۰). آنچه مسلم است نهال تشیع از همان روز ورود اسلام به ایران در این کشور کاشته شده و به سرعت از همان قرن‌های نخست در سراسر کشور رواج داشته است. منتهی آنچه صفویان در زمان خود انجام دادند، این بود که تشیع را مذهب رسمی خود گردانیدند (اله‌امی، ۱۳۶۶: ۱۷۸). قبل از طلوع سلسله جلیله صفویه مذهب شیعه در ایران رواج داشته و مردم هم به آن متمایل بوده و شاید با سلاطین سابق که غالباً سنی مذهب بوده اند در حال تقیه می‌گذرانیده اند و با ظهور سلطه این خاندان مذهب خود را آشکار کرده اند و شاه وقت هم سیاست خود را در ترویج مذهب اکثریت و پیروی از تمایل آنان دانسته باشد (تشید، ۱۳۲۸: ۱۳۴). از آنجا که صفویه، پیشینه صوفی‌گری داشتند و شاه نیز به عنوان مرشد کامل شناخته می‌شد، لازم بود که ضمن گسترش مبانی حکومت، تعالی شیعی و از جمله فقه آل محمد نیز در جامعه رواج یابد تا پادشاه علاوه بر مقام مرشد کامل، وجهه مذهبی و دینی عام نیز پیدا نماید. در اجرای چنین سیاستی بود که پای علمای دینی به حکومت باز شد و نه تنها عالمان و فقیهان ایرانی بلکه علمای جبل عامل نیز به منظور پر کردن خلاء فقه‌ای

در دربار صفوی حضور یافتند. حضور عالمان دینی در دربار و پذیرش مناصب دولتی به تدریج وجهه مذهبی پادشاهان صفوی را افزایش داد، به صورتی که ایران به عنوان پرچم‌دار فقه شیعی و پادشاه نیز به عنوان مروج و حامی آن، در برابر حکومت‌های سنی مذهب ظاهر شد (ابطحی، ۱۳۸۴: ۶۴). فرهنگ تشیع علت اصلی رشد فرهنگی مردم و بلوغ نسبی این مردم می‌باشد که موجب انقلاب مشروطه و سپس انقلاب اسلامی شد. منتها این بلوغ در انقلاب مشروطه از رشد کمتری برخوردار بود، اما در انقلاب اسلامی کامل‌تر و درخشان‌تر شد. ظهور رهبر شایسته انقلاب اسلامی امام خمینی نیز به خاطر رشد فرهنگ تشیع در این مردم بود. زیرا رهبران نیز خود زاینده فرهنگ و جامعه خویشند و علاوه بر امام خمینی قاطبه علمای هم‌عصر ایشان کمک و مددکار ایشان بودند و اتحاد نسبی علمای بزرگ نعمت بزرگی بود که مردم عصر مشروطه از آن محروم بودند (ضمیری و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۵۲-۱۵۳).

۴-۱-۶- نژاد و قومیت

سرزمین پهناور ایران از نژادها و اقوام مختلفی تشکیل شده است و هر کدام از آنها دارای هویت فرهنگی و تاریخی خاص خود می‌باشد که می‌تواند به منزله سرمایه فرهنگی و اجتماعی آن محسوب گردد (مرادی، ۱۳۹۰: ۶۵). تعدد و تنوع قومی در ایران به گونه‌ای است که می‌توان جامعه‌ای پلی اتنیک به آن اطلاق کرد (حیدری و دیگران، ۱۳۹۳: ۷۲). ایرانیان اصالتاً از نژاد آریایی و از اعقاب آریایی‌های هند و اروپایی اند که در حدود ۳۵۰۰ سال پیش وارد خاک ایران شدند. برخی از متفکران ملی‌گرای ایرانی، نظیر دکتر افشار به خلوص نژادی ایرانیان کنونی معتقدند و بر این نکته تأکید می‌ورزند که امیزش نژاد آریایی با ترکها، مغولها، اعراب و دیگران ناچیز بوده است. (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۱). اکثر ملت ایران فارس هستند. پس از فارس‌ها آذری‌ها فراوانی بیشتری دارند. آذری‌ها حدود ۱۵-۱۷ درصد و ترکمن‌ها حدود ۱،۲ درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند. ۳،۵-۵ درصد از جمعیت به سومین گروه قومی یعنی کردهای سنی و شیعه غرب کشور اختصاص دارد. پس از آنها به ترتیب قوم عرب در جنوب غربی کشور با حدود ۳ درصد و قوم بلوچ در جنوب شرق کشور با حدود ۲ درصد از کل جمعیت قرار دارند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱: ۱۴۷). دیدگاه‌های متفاوتی در مورد رابطه هویت قومی و هویت ملی در بین اقوام ایرانی وجود دارد. عده‌ای معتقدند که بین این دو متغیر اساساً رابطه‌ای وجود ندارد، عده‌ای اعتقاد دارند که بین این دو متغیر رابطه‌ای معکوس و منفی برقرار است و افزایش هویت قومی باعث تضعیف هویت ملی در بین افراد می‌شود، ولی بیشتر مطالعات صورت گرفته در کشور نشان می‌دهند که بین دو متغیر هویت قومی و هویت ملی رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد و افزایش هویت قومی باعث تقویت هویت ملی در افراد می‌شود (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۰: ۷۵). در حال حاضر نیز هویت طلبی قومی در چارچوب ایران نیز همچنان مطرح بوده و این موضوع نه تنها تهدیدی برای وحدت ملی ایرانیان نیست، بلکه می‌تواند در نیل به فهم مشترک از ملیت‌گرایی ایرانی نیز یاری‌رسان باشد (رمضان‌زاده و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۱). به طور کلی در جغرافیای تاریخی ایران، همواره مردمی از اقوام گوناگون زندگی کرده‌اند و این مردم نقش اساسی در نگهبانی از ایران و شکوفایی فرهنگ و تمدن آن داشته‌اند. نکته‌ای که در این میان ارزشمند است، دوری جستن ایرانی‌ها از هرگونه کینه‌جویی قومی و همگرایی دوستانه شان با یکدیگر است (رمضان‌زاده و دیگران، ۱۳۸۷: ۹۳). مرمت و نگهداری آثار فرهنگی به جا مانده از تمدن‌ها و اقوام ایرانی می‌تواند علاوه بر تقویت هویت ملی و فرهنگی اعضای جامعه ضامن بقای فرهنگ ایرانی برای نسل‌های کنونی و آینده باشد. همچنین با سیاستگذاری و برنامه‌ریزی صحیح می‌توان شرایط جذب گردشگر داخلی و خارجی را فراهم کرد که عامل موثری در توسعه فرهنگی و اقتصادی کشور می‌باشد (مرادی، ۱۳۹۰: ۶۵). نکته قابل توجه این است که اگر فرهنگ، مذهب یا زبان هریک از اقوام ایرانی، توسط فرهنگ مسلط یا سیستم حکومتی تهدید یا تحقیر شود، نتیجه‌ای جز تضعیف رابطه فرهنگ قومی و با فرهنگ ملی در برداشته و در نهایت موجب جدایی فرهنگ قومی اقوام ایرانی از فرهنگ ملی خواهد شد و در این حالت، فعالیت‌های جدایی‌طلبانه فرهنگی و سیاسی دور از ذهن نخواهد بود (مرادی، ۱۳۹۴: ۱۳۹). با پذیرش تنوع فرهنگی اقوام ایرانی، احترام به تفاوت‌های فرهنگی آنها و استفاده از رویکرد هم‌افزایی فرهنگی می‌توان با بهره‌گیری از تفاوت‌ها و شباهت‌های فرهنگ‌های مختلف اقوام، به تحکیم بنیان‌های هویت و انسجام ملی کمک شایانی کرد (مرادی، ۱۳۹۴: ۱۴۳).

۴-۱-۷- قهرمانان ملی

در هر کشور و نزد هر قوم مردان و زنان بزرگش سرمشق و راهنمای جوانان بوده‌اند و آگاهی از کار و کوشش آنان برانگیزنده ایشان به گام نهادن در راهی است که هم‌مایه سربلندی خودشان و بر جای ماندن نام نیکشان و هم از وسایل پیشرفت کشورشان و مردمشان خواهد بود. در میان بزرگان کسانی هستند که که از مرزهای کشور و محدوده قوم خود بیرون می‌روند خدمتشان به همه جهانیان و خودشان به همه جهانیان تعلق دارند و اینکه این همه کتاب و ترجمه حال برای شناساندن بزرگان همه ملت‌ها نوشته شده است و می‌شود یا زندگی‌نامه کوتاه‌هاشان در دانشنامه‌ها ثبت گردیده و می‌گردد فقط برای شناساندن آنها نیست، بلکه برای نشان دادن راه و رسم کارشان است که چگونه در راه پیشرفت خود و پیشبرد جامعه خویش تلاش کردند و با چه همتی و با چه

زحمتی بر دشواری هایی که بر سر راهشان بود چیره شدند، هم نام نیک از خود بر جای گذاشتند و هم سر رشته به دست جوانانی دادند که نیت خدمت کردن و امید زنده بودن بعد از مرگ دارند (بیرشک ۱۳۷۰: ۱۷۳-۱۷۴).

جامعه ایرانی به عنوان جامعه ای کهن با فرهنگ بسیار غنی، حتما متاثر از وجود و نقش اسطوره است. تحول تاریخی این کشور شاهد فراز و نشیب های تاریخی و حوادث متعددی است اما راز ماندگاری و تداوم این ملت و کشور کهن در تمامی این فراز و نشیب ها، بی شک فرهنگ و مولفه های آن محسوب میگردد و اسطوره ها یکی از مولفه های اصلی این فرهنگ است. از دوران پیش از اسلام اسطوره ها نقشی تعیین کننده در تاریخ ایران داشته اند و اگرچه ورود اسلام به ایران، سبب ساز پالایش و حتی بعضا تغییر در محتوای برخی از این اساطیر شده است، اما بسیاری از آنها ادامه یافته و تا امروز به حیات خود ادامه داده اند (امینیان، ۱۳۹۰: ۴۰). اگرچه هم اینک دوران قهرمانی و قهرمان پروری همانند بستر مه آلود و خاکستری ایده آلیسم سپری شده است، اما قهرمانان ملی پیش از این تاریخ همیشه زنده اند، یاد و خاطره و شیوه های سیاسی آنان زیرساخت های فکری بسیاری از زنان و مردان آزادی خواه جهان را هنوز شکل می دهد و عملکردهای سیاسی شان هنوز به عنوان فانوسی درخشان راه گشای شب های تاریک زندگی است (بی نا، ۱۳۸۷: ۷۸).

۴-۱-۸- آثار ادبی

آثار ادبی ایران که عمدتا به زبان فارسی نگاشته شده اند، معرف بینش، باورها، ارزش ها، آرزوها، دردها و رنج ها، شادی ها و تجربه های ایرانیان در قالب نظم و نثرند. گفته می شود کمتر ملتی آثاری به گوناگونی و زیبایی شعر فارسی آفریده و سخنورانی نظیر سعدی، حافظ و مولوی به جهان عرضه کرده است. منظومه های عرفانی، عشقی و حماسی ایران همگی مایه افتخار زبان فارسی اند و شکوهمندی نبوغ ایرانی را در شعر جلوه گر می سازند. آفرینندگان آثار ادبی مکتوب ایران: فردوسی، سعدی، حافظ، عطار، باباطاهر عریان، عمر خیام، نظامی، جامی، پروین اعتصامی، ملک الشعرای بهار و ... باعث افتخار ایرانیان و در حکم محور هم گرایی ملی شناخته می شوند (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۲۲). بخش بزرگی از ادبیات فارسی که امروزه به عنوان ادبیات کهن شناخته می شود را آثاری تشکیل می دهند که در دوره های مختلف تاریخ ادبیات فارسی و به خصوص در دوران پس از اسلام به ایران نگارش یافته اند. این حوزه از ادبیات فارسی بسیار وسیع است و آثار بسیاری از شاعران و نویسندگان را دربر می گیرد. آثار شاعران نامداری مانند: رودکی، دقیقی، کسایی، باباطاهر، عطار، مولوی... و در حوزه متون نثر نیز آثاری مانند سفرنامه ناصر خسرو قبادیانی بلخی، کیمیای سعادت امام محمد غزالی و... را میتوان نام برد. منظور از ادبیات معاصر نیز ادبیات زمان حاضر است. ادبیات معاصر در زمینه های گوناگون اعم از داستان، رمان، ادبیات تطبیقی و مانند اینها گسترش یافته و در حوزه شعر نیز با آمدن نیما یوشیج دوره جدیدی در ادبیات پیدا شده است (<http://www.saadifoundation.ir>).

۴-۱-۹- آثار باستانی و تاریخی

ایران در دنیا به عنوان یک کشور باستانی و دارای سوابق تاریخی درخشان که سرشار از آثار هنری و باستانی می باشد، مطرح است و از دریچه چشم اروپاییان و غربیان، ایران از این حیث مقامی بس والا دارد و به همین دلیل از قدیم الایام در سفرنامه ها و دفتر خاطرات و یادداشت های روزانه آنان مطرح گردیده است. در میان ارزش های اقتصادی و کشاورزی و صنعتی هر کشور، ارزش های هنری و تاریخی جایگاه ویژه ای دارد. بدیهی است که کشور ایران از این ویژگی به نحو بسیار مطلوبی برخوردار است (واقفی، ۱۳۶۳: ۳۰). این آثار همانطور که بیانگر ذوق هنری ایرانیان است، سرمایه ملی و تجلیگاه استعداد هنری، فکری و تکنولوژی اجداد ایرانیان نیز شناخته می شود و هر فرد ایرانی، آگاهانه یا ناخودآگاه نسبت به آنها احساس دلبستگی و علاقه می کند. آثار باستانی معروف در مناطق فارس و بوشهر، اصفهان، کرمانشاه، همدان، خراسان، کرمان، شوش و خوزستان، کردستان و آذربایجان که جلگی از اعتبار و شهرت جهانی برخوردارند، مایه پیوند افراد ملت ایران به یگدیگرد (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۲۳). در زمانه ای که فرهنگ غرب، تمدن خود را به عنوان برترین الگو در سطح جهان اشاعه می کند، ما می توانیم با ارائه پیشرفت های علمی و فنی ادوار قدیم که از راه کاوش های باستانی به فراوانی بدست می آید، پیشینه تمدنی غنی خود را به رخ فرهنگ غرب بکشیم. به عبارت دیگر پیشینه تمدنی غنی ما می تواند یکی از بهترین ها و نیرومندترین محافظان ملت و فرهنگ ما در برابر هجوم تمدن غربی و احساس هویت ملی سرافراز باشد (حسینی، ۱۳۹۰: ۹۷). عدم توجه شایسته و بایسته به میراث تاریخی و فرهنگی ادوار قبل موجب می شود نسل امروز نسبت به گذشته تاریخی و فرهنگی خود بیگانه شده و در نتیجه ایمان کمتری نسبت به سرزمین و میراث خود پیدا کند؛ زیرا عدم آگاهی از تاریخ و میراث ملی ادوار پیشین باعث تنزل حس وطن دوستی و در نتیجه عدم تلاش کافی در راه حفظ دستاوردهای آن می شود. همچنین بی توجهی به حفظ میراث های تاریخی، هنری و فرهنگی ادوار پیشین فرصت مناسبی به دست می دهد تا مخالفان تمایت فرهنگی، تاریخی و سیاسی ایران از فضای مناسب بهره برداری کنند و در جهت ضربه زدن به وحدت و هویت ملی کشور وارد عمل شوند.

۴-۱-۱۰- هنر

هنر ایرانیان از اعصار گذشته دارای آثار هنری ویژه‌ای بودند. هنر معماری ایران از عصر کهن هخامنشی تا دوره‌های معاصر معروفیت دارد. علاوه بر هنر معماری در هنرهای دیگر نیز ایرانیان دارای هویت ویژه‌ای هستند. موسیقی یکی از این عرصه‌های هنری است و موسیقی اصیل ایرانی هویتی ممتاز از دیگر موسیقی‌ها دارد. مینیاتور و نقاشی، سفالگری، فرش‌بافی و دیگر صنایع و هنرهای دستی و تجسمی ایرانیان نیز از شهرت برخوردار و علاوه بر جنبه‌های ظاهری با مضامین عرفانی، عاطفی، اجتماعی، دینی و ... آمیخته است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۲). ایرانیان نه تنها از لحاظ فرهنگ و هنری از مردم دیگر کشورها بیشتر و برتر بوده‌اند، بلکه به دلیل هنر و نبوغ خود، فرهنگ ساز بوده و در فرهنگ مردمان کشورهای دیگر رخنه نموده‌اند. به گفته ج. و. هگل ایران از روزگاران کهن خاستگاه یکی از دیرین‌ترین و پربرترین نموده‌های فرهنگ بشری بوده و ده‌ها هزار سال همواره پایدار و سربلند مانده و آثار باشکوه این فرهنگ، به گونه‌های گوناگون در سراسر آن نمایان است (افشار سیستانی، ۱۳۸۵: ۲۰۲). هنر ایرانی نه تنها از لحاظ کیفیت بلکه از جهت کمیت نیز در جهان در ردیف اول قرار دارد. هیچ قوم و ملتی به اندازه ایرانی اثر هنری پدید نکرده است. از نظر گسترش و اشاعه در اقلیم‌های وسیع نیز این هنر تاکنون در جهان بی رقیب است. اگر به خاطر بیابوریم که از سرزمین‌هایی از پشت دیوار چین گرفته تا کرانه‌های مدیترانه و از دریاچه آرال تا بخش بزرگی از آفریقا همه جا معماری و کاشیکاری و دیگر مظاهر ذوقی و هنری ایران رواج داشته و دارد. امروزه بعضی از مظاهر زیبایی پرستی ایرانیان همه‌جا در جهان زبازند است. هر جا آبی خوشرنگی دیده شود می‌گویند آبی ایرانی و هر گوشه باغ مصفا و دلنشینی یافت شود آنرا به باغ ایرانی تشبیه میکنند (تجدیدی، ۱۳۴۲: ۴). خلاقیت هنری، به طور کلی، در حوزه تمدنی و فرهنگی ما وجود داشته است. ویژگی هنری ما، یک سو پایدار بودن آن است و از سویی دیگر پویایی آن. پایداری‌اش منجر به پیدایش و قوام هویت ویژه هنری ما می‌شود و پویایی آن باعث خلاقیت و روزآمد شدنش. نگاه سنت به گذشته است و نگاه خلاقیت به آینده. جمع بین سنت و خلاقیت نقطه‌ای است که ویژگی هنر ایران است (مسجدجامعی، ۱۳۸۴: ۱۱۴).

۴-۱-۱۱- آداب و رسوم

علمای اجتماع و و کسانی امثال دورکیم فرانسوی که در اجتماعات بشری مطالعات دقیق علمی نموده و با کشف قوانین عمومی بنای علم الاجتماع را ریخته‌اند، اعتقاد دارند ملت وحدتی است که در اثر وجدان جمعی و تمدنی عام و سنن و آداب و رسوم مشترک و خلاصه تمایلات و عواطف یکسان مردم به وجود می‌آید. مردمی که دارای روحیه مشابه و آمال مشترک و آداب و رسوم واحدی می‌باشند رشته علاقه و الفتی از این جهات با یکدیگر دارند که بنای قومیت آنان را استوار می‌سازد (شهرستانی، ۱۳۳۱: ۱۵۹). آداب و رسوم هر قوم بازتاب رفتارها، بینش‌ها باورهای مردمی آن قوم است. ایرانیان نیز در دارای آداب و رسوم خاصی هستند که آنها را از دیگران متمایز می‌سازد. شیوه تغذیه و نوع خوراک، طرز پوشش و لباس، روابط والدین و فرزندان، روابط کوچکترها با بزرگترها، روابط خویشاوندان، آیین‌های ازدواج، عیادت، سوگواری، دید و بازدید، عیاد و جشن‌ها و ... جملگی از الگوهای رفتاری کهن مایه می‌گیرند و سنت‌ها و رسوم ملی مشترک را می‌سازند (حافظ‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۳). فرهنگ و تمدن در ایران از چنان گستردگی و تنوع و تحولی برخوردار بوده است که به دشواری می‌توان برای آداب و رسوم ایرانی یکپارچگی و یک شکل یگانه همه جا گیر یافت. در جهت دریافت این گستردگی و تنوع و تحول پذیری میتوان به عناصر گوناگونی که در دوران پیشین دست به دست هم داده و فرهنگ ایرانی را هستی بخشیده اند اشاره کرد (دوفوشه کور، ۱۳۷۴: ۲۵۹). دلایلی را که تنوع فرهنگ و تمدن و آداب و رسوم گوناگون را در ایران توضیح میدهند بگونه زیر میتوان خلاصه کرده و برشمرد:

حافظه تاریخی - فرهنگی با خاطرات سنتی که هنوز از حیات و حضور استوار برخوردارند.

عامل مذهبی: در روزگاران گذشته ایران زمین به موجب موقعیت جغرافیایی ویژه خود پیوسته چهارراه و محل برخورد آیین‌ها و مذاهب بزرگ بوده است؛ مانند آیین زروان و میترا، آیین زرتشت، آیین مانی، آیین بودا، مسیحیت و مذاهب گوناگون اسلام.. عشق ورزی و اشتیاق که حضور آنها را دست کم در طی هزار سال در تاریخ ادبیات پارسی میتوان دید. در ورای عشق ورزی به زندگی هم روزه، عشق جان سوز عارفانه که به عقل چیره می‌شود یکی از ویژگی‌های چشم‌گیر فرهنگ ایرانی است که از دیده‌اشنایان به این فرهنگ نمیتوان به دور ماند (دوفوشه کور، ۱۳۷۴: ۲۶۱). آئین سده و مهرگان و جشن نوروز و مراسم چهارشنبه سوری و گردش بهار سیزده از یادگارها و رسومی است که پدران ما داشته اند و ایرانی با وجود مصائب و حوادثی که دیده هنوز جشن نوروز و مراسم آن را فراموش نکرده است. بدینجهت همه باید با خاطری شاد در این جشن ملی شرکت کنیم، با یکدیگر تجدید مودت نماییم تا هم آثار گذشتگان خود و هم با قدرت وحدت ملی منافع مشترکمان را حفظ کنیم (شهرستانی، ۱۳۳۱: ۱۶۰).

۴-۱-۱۲- وحدت سرزمینی و شکل فضا

سرزمینی که در درون خود هسته فرهنگی ایران را جای داده از وحدت فضایی برخوردار است. این فضای قابل زیست و سکونت که در ضمن از لحاظ جغرافیایی با قلمروی فرهنگ و تمدن ایرانی نیز منطبق است، به کاسه‌ای می‌ماند که جدارهای آن را ارتفاعات بلند پیرامونی می‌سازند و در داخل، فضای نسبتاً امنی برای ارتباط و حشر و نشر سکنه درون آن پدید آمده است. این فضا که به فلات ایران موسوم است، در حدود ۲٫۵ میلیون هکتار مساحت دارد و مشتمل بر بخش دورنی و داخلی فلات، ارتفاعات پیرامونی و جدار خارجی منتهی به دشت‌ها و جلگه‌های پیرامونی است (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۱۶). هویت جغرافیایی ایران را فلات ایران از رود جیحون تا ماورای زاگرس ساخته است. این فلات از نظر موقعیت جغرافیایی حد و مرزی دارد که مرزهای طبیعی و حدود آن را طبیعتی ویژه مشخص کرده است، به نحوی که این الگوی فضایی به همبستگی و تفاهم و یکپارچگی سکنه آن با یکدیگر کمک کرده و امکان تمایز آنها را از دیگران فراهم آورده است (قالیباف و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۷). خارج از موقعیت و یا عدم موفقیت ساختار فضایی در ایران، این پدیده جزئی از سیاست‌های اجرایی حکومت‌ها و در شکل دادن به هویت‌های محلی، منطقه‌ای و ملی از ابتدای شکل‌گیری ایران تاکنون بوده است و شامل پایتخت ملی، نظام تقسیمات کشوری، نظام سکونت‌گاهی و مرزهای کشور بوده است (حافظنیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۱). عوامل موقعیت و فضا، وحدت سرزمینی، ریشه تاریخی، زبان، دین و مذهب، نژاد و قومیت، ساختار فرهنگی، آرمان سیاسی، ناسیونالیسم، حکومت قدرتمند مرکزی از عوامل درون‌زا و موقعیت حائل میان قدرت‌های استعماری روس و انگلیس و تهدیدات بیرونی و تهاجمات مکرر به درون فلات از عوامل برون‌زا هستند که در ایجاد و افزایش همبستگی و علقه میان ساکنان سرزمین ایران موثر بوده‌اند (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۳۳).

۴-۱-۱۳- موقعیت و فضا

قلمروی فضای جغرافیایی ایران، هم به لحاظ طبیعی و هم به لحاظ انسانی و فرهنگی هویت خاصی دارد که با مرزهای مشخص طبیعی و انسانی از فضاها و قلمروهای پیرامون خود جدا و متمایز می‌شود (حافظنیا، ۱۳۹۱: ۱۴). کشور ایران بین ۲۵ درجه و سه دقیقه تا ۴۶ درجه و ۳۹ دقیقه عرض شمالی و ۴۴ درجه و ۲ دقیقه تا ۶۳ درجه و ۹ دقیقه طول شرقی و بنابراین تماماً در منطقه معتدله نیم کره شمالی قرار گرفته است. ایران با ۷ کشور مرز خشکی و با کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس و کشورهای حاشیه دریای مازندران مرز دریایی دارد (ملکوتیان، ۱۳۸۳: ۲۰۶). ایران از نظر جغرافیایی با گستره‌ای برابر با ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع، از شمال به دریای خزر و جمهوری‌های آذربایجان، ارمنستان، نخجوان و ترکمنستان محدود است و از شرق به افغانستان و پاکستان، از باختر به ترکیه و عراق و از جنوب به خلیج فارس، دریای عمان و گوشه شمال باختر اقیانوس هند (احمدی، ۱۳۸۶: ۱۰). سرزمین ایران در جنوب غربی آسیا، از گذشته‌های دور، همیشه به عنوان پل ارتباطی تمدن‌های شرق و غرب اهمیت خود را حفظ کرده است. این موقعیت ارتباطی حساس در طول تاریخ، شرایطی را بر این سرزمین تحمیل کرده که همیشه مورد توجه و طمع همسایگان و اقوام پیرامونی خود بوده است و در هر دوره‌ای از تاریخ خود که حکومت‌ها و پادشاهان ضعیف روی کار بوده‌اند، مورد حمله واقع شده‌اند (فیروزی، ۱۳۸۵: ۵۴). ایران به خاطر موقعیت جغرافیایی خود، تاریخ پرمخاطره‌ای داشته است. موقعیت ژئواستراتژیکی و ژئوپلیتیکی ایران به ویژه در دو قرن اخیر و به دلیل ضعف آن موجب رقابت و دخالت قدرت‌های بزرگ در امور داخلی آن و حتی جدا شدن بخش‌هایی از این سرزمین شده است. در حال حاضر نیز، ایران در منطقه‌ای واقع شده است که می‌توان این ویژگی‌ها را برای آن برشمرد: بیضی استراتژیک انرژی، یا هارتلند جدید که ایران در کانون آن قرار دارد، وجود بیشترین بحران‌ها و پیمان‌های تهدیدآمیز در اطراف مرزهای آن، خرید هنگامت تسلیحات از سوی کشورهای منطقه، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای، وجود کشورهای کمتر توسعه یافته و تا حدی بی ثبات و نامستول، و در عین حال وجود کشورهایی با درآمد بالا و ثروتمند، در کنار کشورهای فقیر، با موقعیت جغرافیای محصور در خشکی و یا شرایط نامساعد برای دسترسی به دریا، به همراه مرزهای مصنوعی و همچنین با آرمان‌ها و علاقه‌های ژئوپلیتیکی خاص. ایران باید تولید قدرت کند و وزنه مهمی در منطقه و جهان باشد، تا امنیت و منافع ملی خود را تامین کند؛ چراکه این ضرورت را موقعیت جغرافیایی‌اش تحمیل می‌کند و حوادث تاریخی نیز گواه این مدعا هستند (فیروزی، ۱۳۸۵: ۵۵). احساس تعلق داشتن ایرانیان به یک محیط جغرافیایی ویژه و نیاز به شناخته شدن با ویژگی‌ها و ارکان آن محیط جغرافیایی ویژه، در زمره مسائل هویت ملی ایران می‌باشد (حافظنیا و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۰).

۴-۲- داده‌ها میدانی

گام اول: پرسشنامه ای شامل ۲۶ سؤال طراحی شده و بین ۴۰ نفر از متخصصان و دانشجویان رشته‌های مرتبط با موضوع پژوهش و شهروندان توزیع گردید و ایشان در یک طیف ۵ تایی (خیلی کم ° کم ° متوسط ° زیاد ° خیلی زیاد) لیکرت به سوالات پاسخ داده و به میزان تأثیر هر یک از عوامل تشکیل دهنده هویت ملی بر گردشگری فرهنگی امتیاز دادند.

جدول ۱: فراوانی طیف لیکرت

مجموع	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	فراوانی پاسخ ها
	5	4	3	2	1	رتبه
40	0	10	15	13	2	سرزمین ۱
40	0	10	10	18	2	سرزمین ۲
40	16	18	6	0	0	نام ایران ۱
40	16	18	6	0	0	نام ایران ۲
40	33	7	0	0	0	پیشینه تاریخی ۱
40	33	7	0	0	0	پیشینه تاریخی ۲
40	0	20	16	4	0	زبان فارسی ۱
40	0	20	16	4	0	زبان فارسی ۲
40	0	6	8	23	3	مذهب شیعه ۱
40	0	6	11	20	3	مذهب شیعه ۲
40	0	3	9	18	10	نژاد ۱
40	0	3	12	18	7	نژاد ۲
40	0	24	11	5	0	قهرمان ملی ۱
40	2	22	11	5	0	قهرمان ملی ۲
40	32	8	0	0	0	آثار ادبی ۱
40	32	8	0	0	0	آثار ادبی ۲
40	40	0	0	0	0	آثار باستانی ۱
40	40	0	0	0	0	آثار باستانی ۲
40	30	10	0	0	0	هنر ۱
40	31	9	0	0	0	هنر ۲
40	13	14	4	9	0	آداب و سنن ۱
40	15	10	6	9	0	آداب و سنن ۲
40	3	4	27	6	0	وحدت سرزمینی ۱
40	0	4	28	8	0	وحدت سرزمینی ۲
40	0	10	15	15	0	موقعیت و فضا ۱
40	0	5	24	11	0	موقعیت و فضا ۲

منبع: نگارندگان

گام دوم: وزن هر یک از عوامل از طریق فرمول زیر محاسبه شده است: (F_i) برابر با فراوانی گزینه و (W_i) بابر با وزن گزینه است.

$$\sum (F_i * W_i)$$

جدول ۲: وزن متغیرها

مجموع	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	وزن متغیرها
113	0	40	45	26	2	سرزمین ۱

وزن متغیرها	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	مجموع
سرزمین ۲	2	36	30	40	0	108
نام ایران ۱	0	0	18	72	80	170
نام ایران ۲	0	0	18	72	80	170
پیشینه تاریخی ۱	0	0	0	28	165	193
پیشینه تاریخی ۲	0	0	0	28	165	193
زبان فارسی ۱	0	8	48	80	0	136
زبان فارسی ۲	0	8	48	80	0	136
مذهب شیعه ۱	3	46	24	24	0	97
مذهب شیعه ۲	3	40	33	24	0	100
نژاد ۱	10	36	27	12	0	85
نژاد ۲	7	36	36	12	0	91
قهرمان ملی ۱	0	10	33	96	0	139
قهرمان ملی ۲	0	10	33	88	10	141
آثار ادبی ۱	0	0	0	32	160	192
آثار ادبی ۲	0	0	0	32	160	192
آثار باستانی ۱	0	0	0	0	200	200
آثار باستانی ۲	0	0	0	0	200	200
هنر ۱	0	0	0	40	150	190
هنر ۲	0	0	0	36	155	191
آداب و سنن ۱	0	18	12	56	65	151
آداب و سنن ۲	0	18	18	40	75	151
وحدت سرزمینی ۱	0	12	81	16	15	124
وحدت سرزمینی ۲	0	16	84	16	0	116
موقعیت و فضا ۱	0	30	45	40	0	115
موقعیت و فضا ۲	0	22	72	20	0	114

منبع: نگارندگان

گام سوم: با محاسبه میانگین مقادیر به دست آمده برای عوامل تشکیل دهنده هویت ملی، به رتبه بندی آن‌ها می‌پردازیم.

جدول ۳: رتبه بندی متغیرها

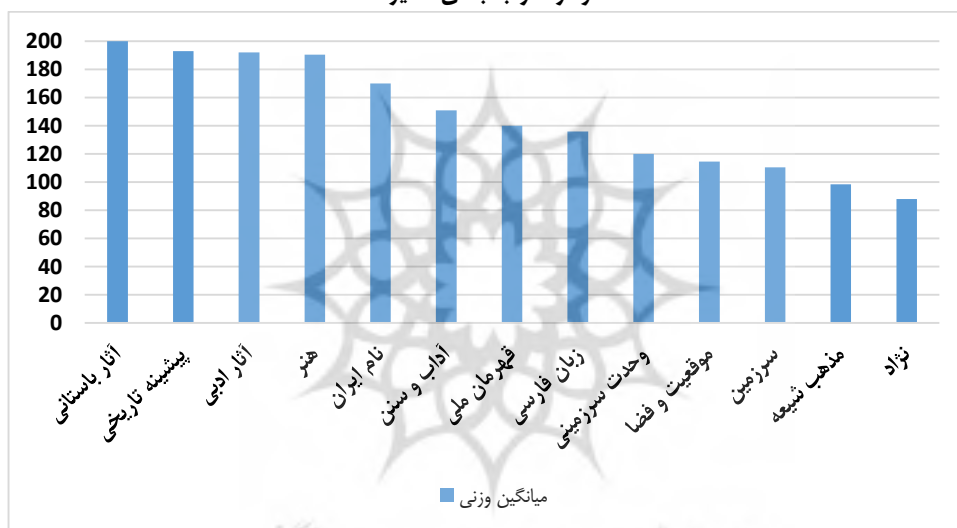
متغیر	میانگین وزنی
آثار باستانی	200
پیشینه تاریخی	193
آثار ادبی	192
هنر	190.5
نام ایران	170
آداب و سنن	151

متغیر	میانگین وزنی
قهرمان ملی	140
زبان فارسی	136
وحدت سرزمینی	120
موقعیت و فضا	114.5
سرزمین	110.5
مذهب شیعه	98.5
نژاد	88

منبع: نگارندگان

در بین ۱۳ عامل مورد بررسی، آثار باستانی بیشترین و عامل نژاد کمترین تأثیر را بر توسعه و گسترش گردشگری فرهنگی داشته است.

نمودار ۱: رتبه بندی متغیرها



منبع: نگارندگان

نتیجه گیری

رشد و گسترش گردشگری از جمله پدیده‌های مهم اواخر قرن بیستم است که با سرعت در قرن جدید ادامه دارد. در این راستا، در سطح جهان، هر کشور برای جذب و سامان‌دهی فرایند جذب گردشگران خارجی و بدست آوردن درآمد ارزی و جذب گردشگران داخلی برای جلوگیری از خروج ارز از کشور، بر اساس پتانسیل‌های موجود و ظرفیت‌های جدید خود برنامه‌ها و زمینه‌سازی‌های خاصی را انجام می‌دهد. تا بتوانند از درآمد ناشی از صنعت گردشگری که در زمره اشتغال‌زا ترین و پر بازده ترین فعالیت‌های اقتصادی در جهان است، استفاده کند. همچنین بتواند، فرهنگ، اقتدار و هویت خود را به دیگران بشناساند تا بر این اساس، زمینه روابط فرهنگی و دیگر روابط را در سطح ملی، فراملی و فرو ملی فراهم کند و از تنش‌های فرهنگی و عقیدتی احتمالی ناشی بین ملت خود و دیگری بکاهد. در نهایت بتواند بر اساس زمینه‌سازی‌های ذهنی که برای ملت‌های دیگر از خود و مردم و فرهنگ خود ساخته است در راستای بالا بردن اقتدار ملی و وزن ژئوپلیتیک خود در سطح جهانی و در جهت همبستگی و توسعه هویت ملی کمک گرفت. همانطور که در متن مقاله نیز اشاره شد، ایران دارای ظرفیت‌های گردشگری بالایی است و لحاظ ارزش‌های تاریخی، هنری، آثار باستانی، زبان فارسی و... از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اما به دلیل برخی سیاست‌های نادرست، عدم وجود زیرساخت‌های مناسب، تحریم‌های اقتصادی، اتکا به درآمدهای نفتی و... آنچنان که باید، به توسعه نرسیده است. پژوهش حاضر ۱۳ عامل تشکیل دهنده هویت ملی و تأثیر آن بر گردشگری مورد بررسی قرار گرفته و میزان اهمیت و تأثیر هر یک

بر گردشگری معین گردید. مطابق با نتایج بدست آمده آثار باستانی بیشترین و نژاد کمترین تاثیر را داشتند. از این رو لازم است تا بر تقویت عوامل با ضریب بالا اقدام کرد تا توسعه در بخش گردشگری رونق یابد. از آنجایی که صنعت گردشگری بدون مداخله دولتها قادر به بقای خود نیست لازم است دولت با سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح و توجه به عوامل موثر، در جهت تقویت و رونق گردشگری اقدام نماید. توسعه گردشگری موجب توسعه و رشد اقتصادی، ایجاد اشتغال برای افراد بومی و غیر بومی و تمرین و تقویت همدلی و نزدیکی افراد ملت با یکدیگر و تقویت همبستگی ملی و از سویی شناساندن کشور، فرهنگ و هویت قومی و ملی به دیگر ملت‌ها خواهد شد و همین امر نتایج ارزنده‌ای در زمینه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، سیاسی و... در ابعاد داخلی و خارجی خواهد داشت.

منابع

- ابطحی، سید مصطفی (۱۳۸۴)، «روند نهادینه شدن تشیع در ایران چالش‌ها و فرصت‌ها»، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفی، بهار، شماره ۲
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۸۵)، «جایگاه فرهنگ و هنر ایران در جهان»، هنر، بهار، شماره ۶۷
- احمدی، حمید، راشد محصل، محمدتقی (۱۳۸۷)، «مولفه‌های هویت ایرانی، کتاب ماه و تاریخ جغرافیا»، فروردین و اردیبهشت، شماره ۱۱۹ و ۱۲۰
- احمدی، سید عباس (۱۳۸۶)، «بررسی نقش و موقعیت ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیک»، مجلس و راهبرد، پاییز، شماره ۵۷
- احمدی، سید عباس (۱۳۸۹)، «نقش مذهب در گسترش حوزه نفوذ مطالعه موردی تشیع در ایران»، ژئوپلیتیک، بهار، شماره ۱۷
- احمدی، حمید (۱۳۸۲)، «هویت ملی ایرانی، بنیادها، چالش‌ها و بایسته‌ها»، نامه پژوهش فرهنگی، تابستان، شماره ۶
- الهامی، داوود (۱۳۶۶)، «سیر تشیع در ایران، درس‌هایی از مکتب اسلام، مرداد، شماره ۳.
- امینیان، بهادر (۱۳۹۰ و ۱۳۹۱)، «نقش اسطوره در هویت ملی و ملت‌سازی، مطالعه موردی ایران»، ادبیات پایداری، پاییز، شماره ۵۶
- افضل‌ی، رسول (۱۳۸۹)، «جایگاه حقوق گردشگران خارجی از نگاه اسلام و قوانین حقوقی جمهوری اسلامی ایران». پژوهش‌های جغرافیای انسانی. شماره ۷۳.
- بلادپس، علی و بی‌باک، غلامحسین و ذکی، قربانعلی (۱۳۸۵)، «تحلیل کنش‌های فضای طبیعی ایران در جغرافیای سیاسی»، چشم انداز جغرافیایی، تابستان، شماره ۲
- بی‌نا، (۱۳۸۷)، «مصدق جاویدان قهرمان ملی تاریخ معاصر»، فردوسی، اسفند و فروردین، شماره ۷۴ و ۷۵
- بیرشک، احمد (۱۳۷۰)، «مردان بزرگ سرمشق جوانان پویا و جویا»، فرهنگ، بهار، شماره ۸
- تجویدی، اکبر (۱۳۴۲)، «هنر و ملیت»، اردیبهشت، شماره ۷
- تشید، علی اکبر (۱۳۲۸)، «تاریخ تشیع در ایران»، ارمان، شماره ۴۳
- پایلی یزدی، محمد حسین. (۱۳۸۵)، «گردشگری ماهیت و مفاهیم»، تهران: انتشارات سمت.
- پاشایی، محمدرضا و علوی مقدم، سید بهنام (۱۳۸۸)، «نقش زبان و ادب فارسی در هویت فرهنگی»، حافظ، شماره ۶۲
- پورموسوی، سید موسی و میرزاده کوهشاهی، مهدی، رهنما قره‌خانگل، جهانخوش (۱۳۸۷)، «سازماندهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران»، ژئوپلیتیک، پاییز و زمستان، شماره ۱۳
- پیردشتی، حسین (۱۳۸۵)، «نگاهی به مفاهیم راهبردی و جغرافیای راهبردی ایران»، رشد آموزش جغرافیا، بهار، شماره ۷۴
- پوراحمد، احمد و همکاران (۱۳۹۲)، «اولویت‌سنجش راهبردهای توسعه گردشگری فرهنگی در منطقه الموت قزوین»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی. دوره ۴۵، شماره ۳.
- حاجی‌نژاد، علی و همکاران (۱۳۸۸)، «تأثیرات گردشگری تجاری بر توسعه کالبدی-فضایی مناطق شهری مطالعه موردی: شهر بانه»، پژوهش‌های جغرافیای انسانی. شماره ۷۰.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۱)، «جغرافیای سیاسی ایران»، تهران، سمت
- حافظ‌نیا، محمدرضا و مجتهدزاده، پیروز و کاوندی کاتب، ابوالفضل (۱۳۹۱)، «تبیین بینادهای علت وجودی و بقای کشور»، مطالعه موردی ایران، مطالعات ملی، بهار، شماره ۴۹
- حسینی، هاشم (۱۳۹۰)، «نقش باستان‌شناسی در ارتقا و تقویت هویت ملی و فرهنگی ایرانیان»، مطالعات ایرانی، پاییز، شماره ۲۰.
- حیدری، غلامحسین، حیدری نبی، زهره (۱۳۹۳)، «بررسی چالش‌های قدرت ملی در ایران با تاکید بر بحران هویت ملی»، ژئوپلیتیک، بهار، شماره ۳۳
- شهرستانی، محمد (۱۳۳۱)، «آداب و رسوم ملی، نامه فرهنگ، فروردین، شماره ۴
- شریفی‌تهرانی، محمد، یوسفی، جواد (۱۳۹۱)، «بررسی ارتباط بین گونه‌های گردشگری مذهبی»، روستایی و بوم‌شناختی با گردشگری فرهنگی مورد مطالعه: استان خراسان جنوبی. فصلنامه مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان جنوبی. صص ۳۰-۱.

- داوری اردکانی، نگار و محمودی، طاهره، نواب، سمیه (۱۳۹۲)، «آموزش زبان فارسی فرصتی مغتنم برای گسترش فرهنگ ایرانی»، مطالعات ملی، بهار، شماره ۵۳
- داوری اردکانی، نگار (۱۳۸۶)، «نمادهای هویت ایرانی و زبان فارسی»، مطالعات ملی، تابستان، شماره ۳۰
- دوفوشه کور، هانری (۱۳۷۴)، مترجم شریعت کاشانی، علی، «آداب و رسوم در تاریخ و تمدن ایران زمین»، کلک، شماره ۶۷
- فیروزی، محرم‌علی (۱۳۸۵)، «ایران و تهدیدات ناشی از موقعیت جغرافیای آن»، رشد آموزش جغرافیا، بهار، شماره ۷۴
- قاسمی، علی اصغر و خورشیدی، مجید و حیدری، حسین (۱۳۹۰)، «همسازی هویت ملی و قومی در ایران رویکرد اقوام ایرانی به وحدت ملی و حق تعیین سرنوشت»، علوم اجتماعی، زمستان، شماره ۵۵
- قالیباف، محمدباقر، پوینده، محمدهادی (۱۳۹۰)، «تبیین جغرافیایی بنیادهای هویت ملی»، مطالعه موردی ایران، مطالعات ملی، بهار، شماره ۴۵
- ضمیری، محمدرضا، رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۸)، «تقش مذهب در رشد فرهنگی ایران معاصر»، شیعه‌شناسی، پاییز، شماره ۲۷
- کروولسکی، دوروتیا (۱۳۷۸)، «احیای نام ایران در عهد ایلخانان مغول»، تاریخ روابط خارجی، زمستان، شماره ۱
- متینی، جلال (۱۳۸۲)، «توصیفی درباره کاربرد لفظ ایران در مقاله ایران در تاریخ»، ایران‌شناسی، شماره ۶۰
- محبی، حسین (۱۳۸۶)، «طبیعت ایران، جهان کتاب»، اردیبهشت و خرداد، شماره ۲۱۶ و ۲۱۷
- مجلسی، فریدون (۱۳۹۲)، «نگاهی به نام ایران و پیشینه فارسی دری»، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، بهار، شماره ۲۹۱
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۱)، «جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی»، تهران، سمت
- ناصری تکمیل، همایون (۱۳۸۴)، «ضرورت نگاهداری یادمانهای باستانی به عنوان مظاهر عینی هویت ملی ایرانیان»، حافظ، شماره ۲۳
- ندیم، مصطفی (۱۳۷۹)، «نگاهی کوتاه به تاریخ ایران باستان در کتاب تاریخ مردم ایران» اثر شادروان دکتر زرین کوب، کتاب ماه و تاریخ جغرافیا، شهریور، شماره ۳۵
- مرادی، علیرضا (۱۳۹۰)، «نقش میراث فرهنگی در تقویت هویت فرهنگی»، مهندسی فرهنگی، خرداد و تیر، شماره ۵۴ و ۵۳
- ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۳)، «مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی و اهمیت استراتژیک ایران»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، بهار، شماره ۶۳
- رمضان‌زاده، عبدالله، قاجار بهمنی قاجار، محمدعلی (۱۳۸۷)، «هویت ایرانی و چندگانگی قومی»، مطالعات ملی، بهار، شماره ۳۳
- مرادی، علیرضا (۱۳۹۴)، «هویت فرهنگی اقوام ایرانی و تاثیر آن بر هویت ملی و انسجام ملی ایرانیان»، مهندسی فرهنگی، تابستان، شماره ۸۴
- مجیدی، محمدرضا (۱۳۸۹)، «سیاست گردشگری خارجی در ایران: جستجوی الگوی مطلوب». فصلنامه سیاست. دوره ۴۰. شماره ۴. مسجد جامع، احمد (۱۳۸۴)، هنر ایرانی، سنت و خلاقیت، کتاب ماه هنر، فروردین و اردیبهشت، شماره ۷۹ و ۸۰
- موسوی حاجی، سید رسول، سلیمان رباطی، سید امین (۲۰۱۰). «توانمندی‌های صنعت گردشگری فرهنگی و طبیعت‌گرا در مناطق کویری جهان اسلام مطالعه موردی: شهرستان بشرویه»، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام.
- واثقی، صدر (۱۳۶۳)، «ضرورت احیا و حفظ آثار هنری و باستانی»، مرداد، شماره ۵
- هرسیچ، حسین، تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۹)، «تاثیر مولفه‌های هویت ساز ایرانی بر قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران»، تحقیقات فرهنگی ایران
- Karar, Arnab, (2010) Impact of Pilgrim Tourism at Haridwar, Anthropologist, pp 99-105.
- Hassan, Hussein D. (2008), Iran: Ethnic and Religious Minorities; CRS Report for Congress, U.S congressional Research service
- Lin, Nan (2017). Building a Network Theory of Social Capital
- Richards, Greg, Cultural Tourism Global and Local Perspectives, The Haworth Hospitality